



---

هانس گئورگ گادامر

ترجمہ عبداللہ امینی

---

سرشناسه	: گادامر، هانس - گئورگ، ۱۹۰۰ - ۲۰۰۲
عنوان و پدیدآوران	: Gadamer, Hans - Georg
مشخصات نشر	: هرمنوتیک، زبان، هنر: شش جستار هرمنوتیکی / هانس - گئورگ گادامر؛
مشخصات ظاهری	: ترجمه عبدالله امینی
شابک	: آبادان: پُرسش، ۱۳۹۵
وضعیت فهرست‌نویسی	: ۲۷۶ ص. -
یادداشت	: ISBN: 978 - 600 - 265 - 080 - 1
یادداشت	: فیپا.
یادداشت	: Works Selections: عنوان اصلی:
یادداشت	: The Gadamer Reader: کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان:
یادداشت	: a Bouquet of the Late Writings: به فارسی برگردانده شده است.
موضوع	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: هرمنوتیک
موضوع	: زیبایی‌شناسی نوین -- قرن ۲۰ م.
موضوع	: فلسفه جدید -- قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده	: امینی، عبدالله، ۱۳۶۳ - مترجم
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ / ف۵۲۲ / ک۱ / BD۳۲۴۸
رده‌بندی دیویی	: ۱۹۳
شماره کتابخانه ملی	: ۴۱۶۶۰۴۰

ہانس گئورگ گادامر

ہرمنویتیکی ، زبان ، ہنر

«شش جُستار ہرمنویتیکی»

ترجمہ

عبداللہ امینی



نشر پرسش

هرمنه و تیک، زبانه، شش

«شش جستار هرمنوتیکی»

ترجمه دکتر عبدالله امینی

● آماده‌سازی: کارگاه پرسش ● لیتوگرافی: سروش ● چاپ: دانا

● چاپ اول: ۱۳۹۵ ● شمارگان: یکهزار نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۵-۰۸۰

© حق چاپ محفوظ است.

نشر پرسش آبادان - بریم - میدان آلفی - ساختمان ارونند

نشانی مکاتبات پستی: نشر پرسش - اصفهان - صندوق پستی ۳۱۶-۸۱۷۳۵

فروشگاه: سی‌وسه‌پل - ابتدای چهارباغ بالا - مجتمع تجاری باران - واحد ۱۳ - C - تلفن ۶۶۷۲۴۵۲

E-mail: [porsesh.pub@gmail.com](mailto:porsesh.pub@gmail.com)

[info@porsesh-pub.com](mailto:info@porsesh-pub.com)

[www.porsesh-pub.ir](http://www.porsesh-pub.ir)

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

۹	پیشگفتار .....
۱۵	معرفی مقاله «هرمنوتیک دلاسیک و فلسفی» .....
۲۳	هرمنوتیک دلاسیک و فلسفی .....
۲۶	معرفی مقاله «متن و تفسیر» .....
۲۷	متن و تفسیر .....
۲۱۲	معرفی مقاله «ربان و فهم» .....
۱۳۹	زبان و فهم .....
۱۶۵	معرفی مقاله «از کلمه به مفهوم: رسالت هرمنوتیک به مثابه فلسفه» .....
۱۶۹	از کلمه به مفهوم: رسالت هرمنوتیک به مثابه فلسفه .....
۱۸۹	معرفی مقاله «اثر هنری در کلمه و تصویر» .....
۱۹۵	اثر هنری در کلمه و تصویر .....
۱۹۵	[مقدمه] .....
۱۹۸	[مطلق‌بودگی و Gleichzeitigkeit (همزمانی) هنر] .....
	[برخی اصطلاحات و مفاهیم یونانی که در توصیف مواجهه‌مان
۲۰۶	با یک اثر هنری ما را یاری می‌رسانند] .....
۲۱۱	[نگاهی دقیق‌تر به مفهوم امر زیبا] .....

۲۱۹	.....[وجه مشترک تمام هنرها چیست]
۲۲۴	.....[تجربه هنر]
۲۲۶	.....[حقیقت هنر، Vollzug (اجراء)، و خوانش اثر هنری]
۲۴۱	.....[درباب معماری و هنر تزئینی: ملاحظات پایانی]
۲۴۹	..... معرفی مقاله «هیدِگر و زبان متافیزیک»
۲۵۳	..... هیدِگر و زبان متافیزیک
۲۶۹	..... نمایه کتاب

به: د. اسماعیل محمودی

ع. ا.

عصر جدید در معجزة هزار، شام آخر

امر مقدس را جشن گرفت.

گادامر

فهمیدن یعنی اینکه من فادرم متصفانه آنچه را شخص دیگر  
می‌اسدیند مورد ارزیابی و ملاحظه قرار دهیم. یعنی  
در موردی بایم که شخص دیگر در آنچه می‌گوید یا عمل  
می‌خواهد بگوید، محذور است برحق باشد.

گادامر



## پیشگفتار

مقالات گرد آمده در این مجموعه عمدتاً حول محور زبان، فهم و هنر می‌چرخند. که همگی متعلق بررسی علم هرمنوتیک قرار می‌گیرند. هر مقاله‌ای دارای ساختار و موضوعی مستقل و مختص به خود است، اما در عین حال ارتباطی درونی با دیگر مقالات دارد. همه مقالات حاضر از کتاب ذیل انتخاب شده‌اند که حاوی بسیاری از مقالات و نوشته‌های متأخر (پس از حقیقت و روش) گادامر است:

Gadamer, Hans-Georg (2007), *The Gadamer Reader: a Bouquet of the Later Writings*, Edited by Richard E. Palmer, Evanston, Illinois, published by Northwestern University Press.

بچارد پالمِر ویراستار این مجموعه و مترجم اغلب مقالات مندرج در آن است؛ او یکی از متخصصان انگلیسی‌زبان هرمنوتیک فلسفی گادامر و صاحب آثاری برجسته در این زمینه است.<sup>۱</sup> مقالاتی که برای ترجمه به فارسی برگزیده شده به‌جز مقاله «هیدِگر و زبان متافیزیک» (ترجمه دیوید ای.

---

۱. در این زمینه می‌توان به کتاب مهم او با عنوان «علم هرمنوتیک: نظریه تأویل در فلسفه‌های شلایر مایخر، دیلتای، هیدِگر و گادامر» اشاره کرد که توسط محمد سعید حنایی کاشانی به فارسی ترجمه و از سوی انتشارات هرمس منتشر شده است.

لینچ)<sup>۱</sup>، همگی توسط ریچارد پالمِر به انگلیسی ترجمه شده‌اند.

نکته قابل توجه این است که پالمِر در ابتدای هر مقاله به معرفی مختصر محتوا، تاریخ و نحوه انتشار مقاله و نیز ساختار و محورهای بحث آن می‌پردازد. از آنجا که توضیحات ایشان به‌رغم مجمل بودنش دقیق، آموزنده و راهگشاست و خواننده را در فهم بهتر مطالب هر مقاله یاری می‌رساند، آنها را به فارسی برگردانده‌ایم و همین امر ما را از نوشتن هر گونه مقدمه و شرح اضافی بر این مجموعه بازمی‌دارد؛ گرچه این سخن بدین معنا نیست که محتوای مقالات بسیار ساده است که همین توضیح اندک حق مطلب را ادا می‌کند، به‌عکس موضوعات مهمی که گادامر در هر یک از این نوشته‌ها مطرح می‌سازد، نیازمند ساعت‌ها بحث و بررسی است و می‌ارزد که در قالب نوشته‌ای مستقل به شرح و همچنین نقد و بررسی آنها پرداخت.

ترتیب و چینش مقالات بیش از آنکه لزوماً بر اساس تاریخ انتشار آنها باشد، بر پایه موضوع و محتوا صورت گرفته است. از آنجا که عمده این مقالات به لحاظ زمانی پس از اثر مشهور حقیقت و روش (۱۹۶۰) نوشته یا منتشر شده‌اند، لذا بهتر است خواننده ابتدا آشنایی کافی با مباحث کلیدی آن کتاب داشته باشد؛ زیرا چنانکه پیداست، گادامر بسیاری از مطالب مطرح در این مقالات را در پاسخ به واکنش‌های منتقدان به انگاره‌های محوری آن کتاب مطرح می‌سازد. به‌علاوه، بسیاری از مباحث مطرح در این نوشته‌های اخیر از جهتی بسط، شفاف‌سازی و تداوم چارچوب مسائلی است که در حقیقت و روش آمده است.

مطالب داخل قلاب [ ] از مترجم انگلیسی است و آنهایی که با علامت [-م.] مشخص شده، افزوده‌های مترجم فارسی است. گهگاهی به تناسب متن و به‌منظور روشن شدن بحث نکاتی در پانوشته‌ها افزوده شده است که همه آنها را با همان علامت مشخص کرده‌ام.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که ترجمه عرضه شده در اینجا به

یقین مصون از خطا و سوء فهم نیست، خصوصاً با عنایت به اینکه این متون از طریق ترجمه (یا به تعبیر بهتر، تفسیر) انگلیسی آنها به فارسی برگردانده شده‌اند. مزید بر آن گادامر، در مقام یک فیلسوف آلمانی و اهل هرمنوتیک، به جهت بحث از مسائل محوری و بحث برانگیز فلسفه با نگاهی هرمنوتیکی زبانش دارای پیچیدگی‌های خاصی است که فهم و برگرداندن آن به فارسی به شیوه‌ای سلیس و روان بسی دشوار است.

در پایان از آقای محمد رنجبر، مدیر نشر پُرسش، به جهت مساعدتها و تلاشهای پیگیرشان در راستای انتشار به موقع این اثر تشکر می‌کنم.

عبدالله امینی

ارومیه، پاییز ۱۳۹۳

فهرست آثاری که در پانوشت‌ها به صورت کوتاه‌نوشت آمده، به شرح زیر است:

G-B: Makita, Etsuro. *Gadamer-Bibliographie* (1922-1994). Frankfurt: Peter Lang, 1995.

GDE: *Dialogue and Deconstruction: The Gadamer-Derrida Encounter*. Edited by Diane P. Michelfelder and Richard E. Palmer. Albany: State University of New York Press, 1989.

GL: *Gadamer Lesebuch*. Edited by Jean Grondin. UTB, 1972  
Tübingen: Mohr Siebeck, 1997.

GW: *Gesammelte Werke*. 10 vols. Tübingen: Mohr Siebeck, 1985-95.

GW 1: *Wahrheit und Methode: Grundzüge einer philosophischen Hermeneutik*. 1986.

GW 2: *Hermeneutik II: Wahrheit und Methode*. Ergänzungen und Register, 1986, revised 1993.

GW 3: *Neuere Philosophie I: Hegel, Husserl, Heidegger*. 1987.

GW 4: *Neuere Philosophie II: Probleme, Gestalten*. 1987.

GW 5: *Griechische Philosophie I*. 1985.

GW 7: *Griechische Philosophie III: Plato im Dialog*. 1991.

GW 8: *Asthetik und Poetik I: Kunst als Aussage*. 1993.

HW: *Heidegger's Ways*. Translated by John W. Stanley. Albany: State University of New York Press, 1994.

IGE: *The Idea of the Good in Platonic-Aristotelian Philosophy*. Translated by P. Christopher Smith. New Haven: Yale University Press, 1986.

KS: *Kleine Schriften: Philosophie, Hermeneutik*. Tübingen: Mohr, 1967.

PH: *Philosophical Hermeneutics*. Edited and translated by David E. Linge. Berkeley: University of California Press, 1976.

"RHI": "Rhetorik, Hermeneutik und Ideologiekritik" In KS: 113-30.

"RHIE" Translation of "*Rhetorik, Hermeneutik und Ideologiekritik*". under the title "On the Scope and Function of Hermeneutical Refl

ection", translated by Richard Palmer and G. B. Hess in *PH* 18-43.  
TM: *Truth and Method*. Second revised edition. Translation revised by Joel Weinsheimer and Donald G. Marshall. New York: Crossroad, 1989.  
WM: *Wahrheit und Methode*. Tübingen: Mohr, 1960.

## معرفی مقاله «هرمنوتیک کلاسیک و فلسفی»

مقالات دانشنامه‌ای از دوره روشنگری به این سو به‌عنوان منابع از حیث پژوهشی مهم و قابل ارجاع عمل کرده‌اند. آنها نه تنها در باب موضوع مورد بحث گزارشی به دست می‌دهند و گستره وسیعی از ارجاعهای زندگینامه‌ای برای مطالعه بیشتر پیشنهاد می‌کنند، بلکه همچنین به نقاط عطف فکری و تاریخی بدل می‌شوند. برای نمونه، مقالات مشهور دانشنامه‌ای سابق که مترصد ارائه شرحی در باب علم هرمنوتیک هستند، عبارتند از: مقالات سالهای ۱۷۳۵<sup>۱</sup>، ۱۸۲۹<sup>۲</sup>، ۱۸۹۹<sup>۳</sup> و ۱۹۵۹<sup>۴</sup>. اگر کسی این چهار مقاله مشهور

---

1 "Hermenraetic" [sic], in *Grosses Universal Lexicon aller Wissenschaften und Künste, welche bishero [sic] durch menschlichen Verstand und Witz erfunden und verbes-sert worden* (Halle and Leipzig: Johann Heinrich Zedlers, 1735), vol. 12 (H.-He), columns 1730-33. No author given.

2. E. F. Vogel, Hermeneutik, in *Allgemeine Encyclopädie der Wissenschaften und Künste*, ed. J.S. Ersch and J. O. Gruber (Leipzig: Verlag von Johann Friedrich Glebitsch, 1829), second section (H-N), ed. G. Hassel and A. G. Hoffmann, 5th part (Heinrich-Hequaesi), 300-322.

3. Heinrich Dobschütz, "Hermeneutik, biblishe", in *Realencyklopädie für protestantische Theologie und Kirche*, 3rd ed. (Leipzig: J. C. Hinrich'sche Buchhandlung, 1899), 719-35.

4. Gerhard Ebeling, "Hermeneutik", in *Die Religion in Geschichte und Gegenwart*, 3rd edition done in collaboration with Hans von Campenhausen, Erich Dinkler, Gerhard Gloege, and Knud E. Logstrup, edited by Kurt Galling, vol. 3 (H-Kon), columns 242-62.

را گردآوری می‌کرد و مقاله ۱۹۷۷ گادامر را به آنها می‌افزود، تصویری از تعریف فراگیر و جامع از هرمنوتیک در اختیار داشتیم.<sup>۱</sup> لذا، مقاله دانشنامه‌ای گادامر در باب هرمنوتیک مجموعه فراگیری از چنین مقالاتی در باب این موضوع را به حدّ اعلاء می‌رساند.

مقاله گادامر نه تنها ما را با تاریخ دقیق و منصفانه از هرمنوتیک سنتی از دوران باستان تا زمان خود او آشنا می‌سازد، بلکه همچنین گزارشم، از پیشرفت هرمنوتیک فلسفی خود او و تاریخ پذیرش آن، هم ایجابی و هم سلبی، از ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۵ را به دست می‌دهد. بنابر این مقاله او منعی بسیار مهم است. گادامر به اجمال هرمنوتیک فلسفی خود را تعریف می‌کند و به منتقدان اصلی اش پاسخ می‌گوید. می‌توان این مقاله را با مقاله مشهور دانشنامه بریتانیکا<sup>۲</sup>ی هوسرل در باب «پدیدارشناسی» (۱۹۲۷) مقایسه کرد. مقاله گادامر صرفاً یک موضوع را به بحث نمی‌گذارد، بلکه یک دانش (discipline) را تعریف می‌کند.

«هرمنوتیک کلاسیک و فلسفی»، که در اینجا برای نخستین بار ترجمه می‌شود، اولین تلاش گادامر در قالب مقاله‌ای دانشنامه‌ای در باب هرمنوتیک.

۱. [زمانی قصد داشتم که تمام این پنج مقاله دانشنامه‌ای را به انگلیسی ترجمه کنم و مقدمه‌هایی بر آنها بیفزایم، اما طرح‌های فوری دیگری مرا از این کار بازداشت. همه این مقالات را می‌تون در کتابخانه استرلینگ دانشگاه ییل یافت.]

## 2 Encyclopaedia Britannica

۳. مقاله «پدیدارشناسی» هوسرل در دانشنامه بریتانیکا<sup>۳</sup>ی ۱۹۲۷ در دستان مترجم انگلیسی به سرنوشته‌ی ترازیک دچار شد. مقاله نه تنها شتابزده ترجمه شد، بلکه یک سومش هم حذف شد. نکته: متن اصلی آلمانی آن در *Husserliana*, vol. 9 (Amsterdam: Nijhoff, 1962) مهمی بود. من به پیشنهاد هربرت اسپیکلبرگ این مقاله را برای *Journal of the British Society for Phenomenology* در ۱۹۷۰ ترجمه کردم و او پیشگفتاری بر آن نوشت. این ترجمه اخیراً در مجلد ۶ مجموعه آثار هوسرل تحت عنوان:

*Psychological and Transcendental Phenomenology and the Confrontation with Heidegger (1927-1931)*, ed. and trans. Thomas Sheehan and Richard E. Palmer (Dordrecht: Kluwer, 1997), 159-79

به انگلیسی منتشر شده است.

نیست. تلاش نخستین او مقاله‌ای کوتاه‌تر، تألیف یافته به سال ۱۹۶۸ برای مجموعه فلسفه معاصر<sup>۱</sup> بود، که از سوی رایموند کلیبانسکی<sup>۲</sup> ویرایش شد.<sup>۳</sup> مقاله قدیمی مشابهت‌های اندکی با متن دانشنامه‌ای مقاله حاضر دارد.<sup>۴</sup> کوشش دوم و بسیار گسترده‌تر او، تحت عنوان ساده «هرمنوتیک»، در *Historisches Wörterbuch der Philosophie* [فرهنگنامه تاریخی فلسفه - م. ۱۹۷۴] منتشر شد. مقاله اخیر بازنمایاننده تبیینی مهم هم ناظر به تاریخ هرمنوتیک کلاسیک و هم به آنچه هرمنوتیک به‌عنوان برآیندی از شاهکار ۱۹۶۰ [حقیقت و روش - م. ۱۹۶۰] به‌دست آورده، است. وقتی که از گادامر دعوت شد تا با مقاله‌ای در مورد هرمنوتیک برای یک دانشنامه ایتالیایی، *Enciclopedia del Novecento* [دانشنامه قرن بیستم - م. ۱۹۷۷]، مشارکت جوید،<sup>۵</sup> او متن آلمانی حروفچینی شده مقاله ۱۹۷۴ را برای آنها فرستاد، اما در پایان حدود دو صفحه را به نقد ایدئولوژی مکتب فرانکفورت و با تفصیل بیشتری به هابرماس اختصاص داد.<sup>۶</sup> دستنوشته اصلی متن ۱۹۷۷ همان است

1. *Contemporary Philosophy*.

2. Raymond Klibanisky

3. See Hans-Georg Gadamer, *Hermeneutik*, in *Contemporary Philosophy* vol. 3, ed. Raymond Klibanisky (Florence: La nuova Italia, 1969), 360-72.

۴. این اطلاعات از محقق کتابشناسی گادامر، ایتسورو ماتیکا از

G-B [Makita, Etsuro. *Gadamer-Bibliographie* (1922-1994). Frankfurt: Peter Lang, 1995], A74/01

برگرفته شده است که داده‌هایی در مورد مقاله دانشنامه‌ای ۱۹۷۴ گادامر، «هرمنوتیک»، به‌دست می‌دهد، در:

*Historisches Wörterbuch der Philosophie*, ed. Joachim Ritter (Basel: Schwabe, 1974), columns 1061-73..

این متن اساساً یکسان است، جز در پایان، همانند مقاله ایتالیایی ۱۹۷۷ و

GW 2 (*Hermeneutik II: Wahrheit und Methode. Ergänzungen und Register*, 1986, revised 1993): 92-117.

5. Hans-Georg Gadamer, *Ermeneutica*, in *Enciclopedia del Novecento* (Rome: Istituto dell'Enciclopedia Italian, 1977), 2: 731-40.

۶. مطالب افزوده شده را می‌توان در صفحات ۱۶-۱۱۵ مقاله مندرج در GW 2 یافت.



که او در جلد دوم مجموعه آثارش (Gesammelte Werke 2: 92-117) گنجانده و در اینجا ترجمه شده است. گادامر عنوان مقاله را به «هرمنوتیک کلاسیک و فلسفی» تغییر داد تا نشان دهد که هرمنوتیک با هر دو وجه سروکار دارد، هم آن گونه که به شیوه کلاسیک تعریف و درک می‌شد (مختص به رسالت تفسیر متن) و هم آن گونه که خودش در هرمنوتیک فلسفی (مختص به سرشت رسالت و فرآیند فهم) آن را تعریف می‌کند.

گادامر در این مقاله غنی ابتدا به ردیابی ریشه‌شناسی اصطلاح «هرمنوتیک» در یونان باستان و ابعاد مختلف معنایی‌ای که این واژه تاکنون یافته است، می‌پردازد. او قرابت محوری میان هرمنوتیک و بلاغت در دوران باستان، به همان اندازه اهمیت مدرن این نکته برای هرمنوتیک خویش را مورد بحث قرار می‌دهد. او در گزارشش از توسعه تاریخی این رشته، هرمنوتیک قضایی، بلاغی و کلامی از دوران باستان تا دوران مدرن را همراه با جزئیات می‌گنجانند. گزارش گسترده‌تری از توسعه هرمنوتیک کلامی را می‌توان در مقاله‌های دانشنامه‌ای ۱۸۹۹ و ۱۹۵۹ فوق‌الذکر یافت. نکته محوری اشاره‌های گادامر در گزارشش از هرمنوتیک باستان عبارت از اهمیت تفسیر تمثیلی در دوران باستان و سپس در سنت مسیحی تانهاضت اصلاح دینی است.<sup>۱</sup> او خاطر نشان می‌سازد که پس از آن دوران، روشهای فیلولوژی کلاسیک و تاریخ به‌مثابه یک شاخص، جایگاه مهمی در توسعه هرمنوتیک پروتستان به‌دست آوردند. گادامر همچنین در گزارشش از هرمنوتیک کلاسیک به عامل کاربست، به‌ویژه در هرمنوتیک قضایی و کلامی، توجه مبذول می‌دارد. این امر به شیوه‌ای آشکارتر از گزارشهای تاریخی پیشین در باب هرمنوتیک ظاهر می‌شود. کاربست چیزی است که هرمنوتیک فلسفی گادامر می‌کوشد به‌منظور جبران غیابش در سنت

۱. برای فهرستی گسترده‌تر از متون مهم در توسعه تاریخی هرمنوتیک، بنگرید به جدول فرضی محتویاتش جلدی زبده هرمنوتیک Hermeneutics Compendium که تحقق نیافت و در [www.mac.edu/faculty/richardpalmer/compendium.html](http://www.mac.edu/faculty/richardpalmer/compendium.html) قابل دسترسی است.

هرمنوتیک فیلولوژیک و کلامی در قرن نوزدهم از نو تثبیت کند. نکته قابل توجه دیگر در اینجا عبارت است از مخالفت آشکار گادامر با هرمنوتیک عام شلایرماخر و دیلتای، مبنی بر اینکه هرمنوتیک آنها امری روش‌شناختی باقی می‌ماند و در آن مفسر از متن یا اثر هنری به سوی واقعیتِ روحی و تجربه شخصیِ آفریننده باز می‌گردد. در این نقطه مقاله گادامر نه همچون یک مقاله دانشنامه‌ای موضوعی (objective)، بلکه بیشتر به دفاعی از موضع خویش بدل می‌گردد. به عنوان نمونه، او آشکار می‌سازد که چرا با شلایرماخر و دیلتای مسئله دارد. گادامر با انجام چنین کاری دیگر مؤلفه کلیدی متضمن در هرمنوتیک خودش را مطرح می‌سازد: پافشاری‌اش بر تفسیر متون نه همچون بیانها (ر جلوه‌ها) بی از نفس یا عواطف، بلکه بیشتر به منزله انتقال دادنِ Sache (موضوع) مخابره شده به وسیله متن. موضوعی که گادامر در هرمنوتیک خود بر آن پافشاری می‌کند، عبارت است از موضوع، مسئله و نهایتاً حقیقتِ برآمده از تجربه متن یا اثر هنری. اگر بر موضوع بیش از نفس [آفریننده - م.] (soul) تأکید و رزیم از حقیقت، مؤلفه‌ای تعیین‌کننده در هرمنوتیک فلسفی گادامر، می‌توان تنها به مثابه ظهور یافتن (emerging) دفاع کرد. بر طبق نظر گادامر، یک متن صرفاً بیانگر احساسات یا ذهن نویسنده نیست. اثر [یا کار - م.] در والاترین اشکالش - در متون مقدس، شعر، قانون و نیز در آثار هنری، سببِ ظهور حقیقت می‌شود، یا به تعبیر هایدگر، «حقیقت را برمی‌افرازد»<sup>۱</sup>.

در اینجا به طور خلاصه مطالب این مقاله را مرور می‌کنیم، که گادامر در آن به فراسوی مقالات پیشین در باب هرمنوتیک می‌رود تا رشته فلسفی جدیدی را طرح و از آن دفاع کند. او نخست به بررسی ریشه‌شناسی واژه

1. See Martin Heidegger, *The Origin of the Work of Art*, in BW (Heidegger, Martin. *Basic Writings: From Being and Time (1927) to The Task of Thinking (1964)*). Edited by David Farrell Krell. Revised and expanded edition. San Francisco: Harper San Francisco, 1993), 139-212.

هرمنوتیک در خاستگاه‌هایش در یونان باستان می‌پردازد، که ابعاد تعیین‌کننده‌ای برای یک هرمنوتیک فلسفی در خود نهفته دارد. سپس اشکال متنوع هرمنوتیک از دوران باستان تا زمان خود را مورد بحث قرار می‌دهد. اما او ابتدا از زیباشناسی قرن هجدهم و هرمنوتیک شلایرماخر تا زمان حقیقت و روش خود، تاریخی انتقادی از هرمنوتیک را عرضه می‌کند. بنابراین، این مقاله همچون مقدمه‌ای کوتاه بر شاهکار خودش عمل می‌کند. اما گادامر سپس از حیث زمانی به فراسوی حقیقت و روش می‌رود تا واکنش‌های نشان داده شده به آن از زمان انتشارش در ۱۹۶۰ را مطرح سازد و به آنها پاسخ گوید. او به منتقدانی چون امیلیو بتی<sup>۱</sup>، ای. دی. هیرش<sup>۲</sup> و هانس آلبرت<sup>۳</sup> می‌پردازد، که به شدت به اثر او تاختند و در راستای سنت فلسفی قلم زدند. گادامر همچنین ملاحظات خود در باب نقد ادبی رایج آلمانی که «زیباشناسی دریافت» [هانس رابرت یأوس<sup>۴</sup> - م.] را به منزله پاسخی به اثر او معرفی کرد، بیان می‌دارد. برای گادامر، این پاسخ بیشتر نمایانگر خوانشی آبر و بی‌سروته از هرمنوتیک فلسفی اوست. و به نقد واسازه‌گرانه در پیدا به هرمنوتیک فلسفی نیز اشاره می‌کند. مواجهات گادامر با دریدا در ۱۹۸۰ و ۱۹۸۹ گفتگوهای ناکامی از آب درآمد؛ آنها صرفاً از گذشته همدیگر سخن گفتند.<sup>۵</sup> و او در ادامه انتقادهای عرضه شده از سوی هابرماس و مسئله نقد ایدئولوژی را مطرح می‌سازد. گادامر در پایان، جهانشمولی هرمنوتیک خویش را به‌مثابه نظریه‌ای در باب عمل (پراکسیس) فهم که می‌بایست در مقابل محدودیت اشکال متعدد فهم علمی حمایت شود، از نو اظهار می‌کند. تأثیر جهانی هرمنوتیک گادامر از زمان انتشار این مقاله هرچه بیشتر

1. Emilio Betti

2. E. D. Hirsch

3. Hans Albert

4. Hans Robert Jauss

5. See GDE [*Dialogue and Deconstruction: The Gadamer-Derrida Encounter*. Edited by Diane P. Michelfelder and Richard E. Palmer. Albany: State University of New York Press, 1989.].

آشکار شده و بسط یافته است.<sup>۱</sup> تا زمانی که مقاله دانشنامه‌ای او مراحل آشکار شدنش تا آن زمان را مسجل می‌ساخت، تأثیر هرمنوتیک فلسفی مدام در حال گسترش بود. رشته‌های مختلف، از قبیل علوم اجتماعی (ذکر شده در مقاله گادامر)، اما همچنین ادبیات، تاریخ و نظریه‌ی روش‌شناسی، در اثنای نقد گادامر بر استدلال و روش‌شناسی‌های علمی، به یافتن مبنایی فلسفی برای نوآوری‌های سودمند ادامه می‌دهند. جای تأسف است که گادامر در بخش کلاسیک مقاله دانشنامه‌ی‌اش از توجه به اشکال کلاسیک غیر غربی تفسیر متن، چینی و سنت‌های اسلامی عزل نظر می‌کند. او با صرف رجوع به یونان باستان خود را خرسند می‌سازد. به هر حال، هرمنوتیک فلسفی او همچنان علاقه جهانی را برمی‌انگیزد، و این مقاله دانشنامه‌ای به منزله مدخلی مناسب برای هرمنوتیک فلسفی او و راهنمایی برای تاریخ گسترده هرمنوتیک عمل می‌کند.<sup>۲</sup>

۱. به اذعان ایتسورو ماکیتا، حقیقت و روش به ژاپنی، چینی، روسی، مجاری، ترکی، صرب و کرواتی، لهستانی، اسپانیولی، فرانسوی، ایتالیایی، [عربی - م.] و زبانهای دیگری ترجمه شده است. بنگرید به: G-B (Makita, Etsuro. *Gadamer-Bibliographie* (1922-1994). Frankfurt: Peter Lang, 1995.), B60/01.

به‌علاوه، کتاب ۱۹۶۹ خود من که به معرفی هرمنوتیک فلسفی می‌پردازد تاکنون به چینی، ترکی، فارسی و اسپانیولی ترجمه شده است [مقصود کتاب آموزنده و دقیق ذیل است که پیشتر به آن اشاره کردیم: پالمر، ریچارد ا.، علم هرمنوتیک: نظریه تأویل در فلسفه‌های شلاپرماخر، دیلتای، هایدگر و گادامر. - م.] علاقه به هرمنوتیک فلسفی گادامر به‌وضوح در سرتاسر جهان در حال گسترش است.